

چرا افغانستان پیمان امنیتی را با امریکا امضاء کند؟

محمد اکرام اندیشمند

امضای پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده امریکا که در توافقنامه استراتژیک میان طرفین گنجانیده شده بود بدرازا کشید. امضای این پیمان به ادامه ی حضور شمار معدودی از نیروهای امریکایی و غربی پس از سال 2014 در افغانستان می انجامد؛ در حالی که پیمان مذکور و بقای نظامیان امریکایی و غربی از سوی حلقه ها و گروه های مختلف سیاسی افغانستان با دیدگاه های متفاوت بررسی می شود. اما علی رغم تفاوت نظرها و باورها، امضای پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن در اوضاع و شرایط فعلی، یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جهت منافع حیاتی افغانستان است.

استدلال مخالفین امضای پیمان:

امضای پیمان امنیتی با امریکا از دیدگاه افراد و گروه های مخالف امضای پیمان که هر چند عملاً و در ظاهر، کنار طالبان و القاعده قرار ندارند، یک اشتباه ننگین و حتی یک خیانت ملی و اسلامی تلقی می شود. دلایل این مخالفت بسیار به سادگی تبیین می گردد:

- 1- امضای پیمان امنیتی که به بهانه ی ایجاد ثبات و تأمین صلح انجام می شود، بر خلاف، به تداوم جنگ و بی ثباتی می انجامد.
- 2- امضای پیمان بجای آنکه به دخالت همسایگان پایان بخشد، بر عکس این دخالت به خصوص دخالت پاکستان و ایران و حتی کشور های منطقه را تشدید، گسترده و مستمر می سازد.
- 3- امضای پیمان به حاکمیت ملی افغانستان ضربه میزند و استقلال افغانستان را خدشه دار می سازد.
- 4- امریکا برخلاف این تصور که در صورت عدم امضای پیمان، افغانستان را ترک می کند، از افغانستان خارج نمی شود. مثال عراق در این مورد مصداق ندارد، زیرا امریکایی ها در عراق به اهدافشان که سرنگونی دولت صدام و انهدام قدرت نظامی او بود، نایل شدند. در حالی که امریکایی ها در افغانستان هنوز به تمام اهدافشان دست نیافته اند.
- 5- این باور و ذهنیت که بقای ده تا بیست هزار تن نیروی نظامی امریکا پس از امضای پیمان موجب بازگرداندن صلح و ثبات در افغانستان می شود، یک ذهنیت نادرست و نا معقول است. وقتی در دوازده سال گذشته یکصد و پنجاه هزار نیروی امریکایی و غربی در بازگرداندن صلح و ثبات ناکام بوده اند، هیچگاه نمیتوان انتظار داشت که ده یا بیست هزار نیروی آنها در این امر مؤفقیتهای داشته باشند.

6- امضای پیمان نظامی با امریکا و حضور نیروهای امریکایی در افغانستان در مخالفت و تناقض با احکام و شریعت اسلامی قرار دارد و تن دادن به چنین توافق شرعاً ناجایز است.

ضعف های بیان مخالفان پیمان:

ممکن است نکته های مثبتی در بیان و استدلال مخالفان امضای پیمان امنیتی وجود داشته باشد، اما نکات ضعیف و استدلال "چوبین" در این مخالفت ها بیشتر از قوت آن است. یکی از نکات مثبت در این گونه استدلالات، به ایجاد خدشه در استقلال و حاکمیت ملی افغانستان بر میگردد که حضور نیروی نظامی بیگانه و وابستگی به کمک های خارجی در عرصه های مختلف حیات مانع استقلال و حاکمیت ملی می شود. نکته ی قابل پرسش این است که حتی اگر با چنین باور و ارزیابی بسیار منفی به امضای پیمان امنیتی نگاه شود و در جهت حفظ استقلال و حاکمیت ملی از این مانع، امضای پیمان مورد تردید قرار گیرد، آیا استقلال و حاکمیت ملی افغانستان به موانع بیشتر و بزرگتر دیگر مواجه نخواهد شد؟ آیا مخالفان امضای پیمان که از استقلال و حاکمیت ملی افغانستان سخن می گویند، پاسخ درست و منطقی به این پرسش ارائه می کنند که ابزار ها و نیاز های استقلال و حاکمیت ملی افغانستان چیست؟ آیا در نبود دولت و در نبود بستر و زمینه های توسعه ی سیاسی و اقتصادی میتوان به استقلال و حاکمیت ملی دست یافت؟ آیا در یک افغانستان درمانده و متفرق و درگیر فقر، جهالت، عقب ماندگی های عمیق فرهنگی و اجتماعی و فرو رفته در جنگ و منازعات خونین داخلی با دخالت پاکستان، ایران و کشورهای منطقه می توان به استقلال و حاکمیت ملی رسید؟

این باور که امریکایی ها حتی در صورت تردید پیمان توسط جانب افغانستان برخلاف عراق، افغانستان را ترک نخواهند کرد، دیدگاه عوام فریبانه و تحریک آمیز در جهت اغوای افکار عامه به نفع طالبان و القاعده است. چنین ذهنیتی، با اوضاع و واقعیت های سیاسی و نظامی امریکا همخوانی ندارد. امریکایی ها در بسیاری از کشورهای منطقه و مناطق آزاد بحری منطقه، پایگاه نظامی دارند و عملیات نظامی خود را می توانند بجای افغانستان از آن مناطق انجام دهند. ادعای عدم مشروعیت پیمان نظامی با امریکا از منبر و آدرس اسلام و شریعت اسلامی، چیزی بیشتر از یک ریاکاری عوام فریبانه نیست. بسیاری از این صداها بیشتر از آنکه در انطباق با اسلام و شریعت اسلامی و بخاطر رضای خداوند بیان شود، در جهت همسویی با القاعده و طالبان و همسویی با سازمانهای جاسوسی پاکستان و جمهوری اسلامی ایران بلند می شود.

نیازمندی به امضای پیمان:

پاسخ به این پرسش که افغانستان چرا به امضای پیمان امنیتی با امریکا نیاز دارد، بسیار پیچیده، دشوار و غیر قابل فهم نیست.

این ادعا که عدم امضای پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن و خروج تمامی نظامیان امریکا، طالبان را از جنگ به صلح می کشاند، یک تصور باطل است. طالبان بدون حضور نیروهای غربی و در نبود هیچ پیمان امنیتی و نظامی دولت افغانستان با دول غربی همچنان به جنگ ادامه میدهند. اگر امضای پیمان از سوی مخالفان، مانعی در جهت استقلال و حاکمیت ملی افغانستان ارزیابی و تبلیغ شود، بر خلاف، امضای پیمان مذکور فرصت های مناسبی را در جهت تقویت استقلال و حاکمیت ملی فراهم می کند. اهمیت بسیار حیاتی پیمان به تداوم کمک های مالی و اقتصادی امریکا و کشورهای غربی بر میگردد که افغانستان نیازمندی و وابستگی شدید و عمیقی به این کمک ها دارد. کمک های که تأمین هزینه های نیروی نظامی و امنیتی افغانستان و هزینه های بازسازی و نوسازی در عرصه های مختلف حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وابسته به آن است. این در حالی است که امریکایی ها به صراحت گفته اند در شرایط عدم امضای پیمان و عدم حضور نظامیان آنها، کمک مالی و اقتصادی خود را نیز قطع خواهند کرد. امریکا با امضای پیمان می تواند کشورهای عضو ناتو و تمام کشورهای غربی و حتی رژیم های وابسته به خود در کشورهای عربی نفت خیز را قانع کند تا پس از 2014 به افغانستان کمک کنند. در حالی که خروج امریکا بصورت طبیعی، خروج آن کشور ها و قطع کمک آنها را در پی دارد. امضای پیمان امنیتی و حضور نظامی امریکا و تداوم کمک های نظامی و اقتصادی غرب، برخلاف این تصور که اراده ی طالبان و کشورهای پاکستان و ایران را در تداوم جنگ تقویت می کند، به تضعیف آن می انجامد. در حالی که بیطرفی افغانستان که گاهی به عنوان راه حل بحران و مستلزم تأمین ثبات از سوی دیدگاه هایی مطرح می شود، افغانستان را یک طعمه ی خوب برای شکار همسایگان و گروه های تروریستی تکفیرگرا می سازد. به همان حد، افغانستان در نبود تعهدات امنیتی و اقتصادی یک یا چند کشور مقتدر دنیا همچون ایالات متحده و متحدان غربی آن، به میدان منازعه و جنگ گروه های مختلف سیاسی، قومی، مذهبی و گروه های متعدد مافیایی تبدیل می شود.